



آب حیات - آب نجات

سربازان انگلیسی که از جنگ بیپرده چهارساله عراق خسته شده‌اند و جان‌شان به لب آمده، دنبال راه چاره‌ای برای فرار از مهلکه بودند. ورود شانسکی پانزده‌ملوان انگلیسی به آب‌های سرزمین ایران در اروندرود، دستگیری و بازداشت آن‌ها توسط نیروهای ایرانی و سپس فرارشان از مهلکه عراق با بازگشت به انگلستان، حسرت به دل خیلی از سربازان دیگر گذاشته به‌ویژه وقتی مهمان‌داری سخاوتمندانه ایرانیان را با رفتار انسانی! خودشان در زندان‌های گوانتانامو و ابوغریب مقایسه کردند، و سبب شده تا انگلیسی‌ها، آب‌های ایران را «آب حیات» یا «آب نجات» بدانند و بنامند. به همین دلیل، بسیاری از سربازان انگلیسی مترصد فرصتی برای تکرار آن تجربه موفق هستند و درخواست انجام مأموریت در اروندرود یا خلیج فارس را دارند. دولت باهوش بلر هم که دست آن‌ها را خوانده، از دولت بوش خواسته که به نیروهای آمریکایی در خلیج فارس دستور بدهد که به محض ورود هریک از قایق‌ها، کشتی‌ها، ناوها یا حتی ملوان‌های انگلیسی به آب‌های ایران، بلافاصله به سوی آن‌ها شلیک کنند تا بمیرند یا غرق شوند اما اسیر ایرانی‌ها نشوند یا به غنیمت گرفته نشوند؛ بالاخره آن‌ها هم فهمیده‌اند که تکرار افتضاح چندان به مصلحتشان نیست.



شکل دیگر خندیدن
علی ادیب قفقازی

خرد در بهشت

نخست‌وزیر انگلستان، بلر و وزیر خارجه‌اش، بکت، در اولین واکنش مشترک به عفو و بخشش و سپس آزادی ملوانان انگلیسی، ضمن تجلیل از عظمت ملت ایران و تعظیم در مقابل آن، فرهنگ و تمدن کهن و غنی ایرانی را ستودند؛ اما ۲۶ ساعت پس از بازجویی نظامی از ملوانان آزاد شده، شش نفر از پانزده نفر را که تسلیم زورگویی‌های آن دولت شده بودند، مجبور کردند که از روی کاغذ از پیش‌نویس شده‌ای بگویند که «نقشه جهان، آن‌طور که در ایران بوده (و چاپ انگلستان بوده) با نقشه جهان در انگلستان (که مال دوره امپراتوری و استعمار کشورهای دنیا بوده) فرق داشته.»

بلکه دولت انگلیس بتواند این‌طوری، از شدت سوزش شکست فاحش در مقابل ایرانیان، بکاهد. در همین زمان بود که بنده زنگی به داغستان زدم خدمت شاعر، طنزپرداز و نویسنده بلند آوازه معاصر، پسرعمه عزیزم و پرسیدم که «چرا دولت انگلیس، این قدر نمک به حرام است و برای چه جامعه جهانی ۵+۱ شورای منیت سازمان ملل، چیزی نمی‌گوید و جوابش را نمی‌دهد؟» فرمود: «عزیز دانی! این قدر حرص و جوش نخور و نخواه که مدافعان آپارتاید امنیتی، آدم بشوند.» و اضافه کردند:

«گله نکن حبیب من،
گوش جهان (جامعه جهانی) ۵+۱ کراست کر؛
ناله نکن عزیز من، هیزمشان تر است تر؛
خر به بهشت اگر رود، باز همان خر است خر!»

تولید و نمایش فیلم مخدوش و جعلی ۳۰۰ باید گواه ترس و استیصال استکبار جهانی و بازیگران ناتوی فرهنگی در مواجهه با موج عظیم بیداری اسلامی دانست که البته باز هم ناکام می‌ماند؛ چراکه تاریخ و تمدن بشری خود گواه فرهنگ غنی و سنت‌های برتر ایرانیان و به‌ویژه وجود فرهنگ مردم‌سالاری در نخستین لایه‌های حکومتی ایران‌زمین است.

این فیلم که بخشی از سیاست‌های کاخ سفید از طریق هالیوود است در مقام بیان این نکته است که غرب و آمریکا سربازان اینترگر مبارزه علیه نیروهای شیطان هستند! نیروهایی که اکنون توسط ایرانیان هدایت می‌شوند! و شاید با این حربه‌ها قصد فریب و آماده‌سازی اذهان عمومی مردمان کشورشان برای حضور در منطقه حساس خاورمیانه و رویارویی با ایران اسلامی را فراهم آورند، بلکه از این طریق جلوی شرارت‌های ایران را بگیرند!

فیلمی برای کاخ سفید!

یادمان نرفته که جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا پس از حوادث یازده‌سپتامبر و در آستانه حمله نیروهای آمریکایی به عراق و افغانستان از عباراتی چون خیر و شر و رسالت آمریکا برای آزادی منطقه خاورمیانه از نیروهای شر و تروریست‌ها بهره می‌برد و حتی به جنگ ظالمانه خود در منطقه، صبغه مذهبی داده بود و خود را در مقام یک ناجی معرفی می‌کرد.

این فیلم که بخشی از سیاست‌های کاخ سفید از طریق هالیوود است در مقام بیان این نکته است که غرب و آمریکا سربازان اینترگر مبارزه علیه نیروهای شیطان هستند! نیروهایی که اکنون توسط ایرانیان هدایت می‌شوند! و شاید با این حربه‌ها قصد فریب و آماده‌سازی اذهان عمومی مردمان کشورشان برای حضور در منطقه حساس خاورمیانه و رویارویی با ایران اسلامی را فراهم آورند، بلکه از این طریق جلوی شرارت‌های ایران را بگیرند!

هالیوود در این فیلم، ایرانی‌ها را به صورت انسان‌هایی وحشی، جلادصفت، سیاه‌پوست! با چشمانی خون‌آلود و لباس و پوششی شبیه تروریست‌های امروزی به تصویر کشیده است. بدسلیقگی و سطحی‌نگری مفرط سازندگان فیلم به حدی است که حتی شخصی چون «ای او اسکات» منتقد مشهور روزنامه نیویورک‌تایمز

درباره آن گفته است: «این فیلم خشن بیش‌تر شبیه کاریکاتورهای ژاپنی است تا یک فیلم تاریخی.» مایکل مور کارگردان و مستندساز بزرگ آمریکایی نیز با تاسف از ساخت این فیلم از همه ایرانیان عذرخواهی کرده است.

روزنامه «اتلانتا ژورنال کانستیتیوشن» با تمسخر این فیلم می‌نویسد: «از هر زاویه که به فیلم ۳۰۰ نگاه کنیم این فیلم یک فیلم مبالغه‌آمیز است، این فیلم در واقع تصویری از همان هرکول است اما در عصری کامپیوتری.»

فیلم ۳۰۰ را در واقع می‌توان مواجهه امروز دنیای پرفریب غرب که همه چیز را از طریق غول‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی، در هضم فرهنگ مهاجم خود می‌یابد- با ایرانیان و در یک معنای وسیع‌تر با مسلمانان- دانست. امروز هم سینما به‌عنوان رسانه‌ای تأثیرگذار در نوک پیکان حمله زیاده‌خواهان جهانی (استکبار و صهیونیسم) قرار گرفته است. اگر دیروز هالیوود «اسکندر» الیور استون را محملی برای جعل تاریخ شرق و نادیده گرفتن پیشرفت‌های علمی، تمدنی ایران‌زمین در آن دوران برای ارایه انتخاب کرد امروز هم با گستاخی بیش‌تر، بر تهاجم فرهنگی خود در قالب جنگ نرم افزوده است.